

مبانی فقهی حکمرانی قضایی در اندیشه آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی،

تحلیل رویکردهای نوین در مدیریت نظام قضایی

یوسف محمدی مقدم*^۱ رضا عینی^۲، سجاد جبرایی شراهی^۲، امیر عینی^۲

^۱ استاد دانشکده ثبت و مدیریت قضایی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری y.mohammadi@ujsas.ac.ir (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

چکیده. نظام قضایی به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی، نیازمند چارچوبی است که ضمن پایبندی به اصول فقهی و عدالت محوری، توانایی پاسخگویی به چالش‌های نوین مدیریتی را داشته باشد. آیت الله هاشمی شاهرودی، به عنوان یکی از فقیهان برجسته و مصلحان قضایی معاصر، الگویی از «حکمرانی قضایی فقه محور» را ارائه داد که بر مبنای اجتهاد پویا، عدالت ساختاری و مصلحت گرایی نظام مند بنا شده است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی، مبانی فقهی حاکم بر اندیشه قضایی ایشان را واکاوی کرده و تأثیر آن را در اصلاحات قضایی دوران ریاست وی بر قوه قضاییه بررسی می نماید. بررسی مبانی نظری نشان می دهد که در اندیشه آیت الله هاشمی شاهرودی، عدالت محوری به عنوان رکن اساسی حکمرانی قضایی مطرح شده و از طریق قواعد فقهی همچون «قاعده عدالت»، «قاعده لاضرر»، و «حقوق الناس» در فرآیندهای دادرسی نهادینه گردیده است. علاوه بر این، نقش اجتهاد پویا در انطباق نظام قضایی با مقتضیات زمان، تأکیدی بر ظرفیت های فقه حکومتی در مدیریت نظام حقوقی است. اقدامات اصلاحی وی، همچون بازنگری در قوانین آیین دادرسی کیفری و مدنی، مقابله با فساد اقتصادی از طریق نهادینه سازی نظارت های فقهی-حقوقی، و بهره گیری از فناوری های نوین در فرآیند دادرسی، نشانگر تلاش در راستای ایجاد تعادل میان سنت و مدرنیته در قوه قضاییه است. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که مدل حکمرانی قضایی مبتنی بر فقه حکومتی، علاوه بر تأمین مشروعیت شرعی، زمینه ساز ارتقای شفافیت، کارآمدی و پاسخگویی در مدیریت نظام قضایی می گردد. در این راستا، تدوین سند راهبردی مدیریت قضایی بر پایه فقه حکومتی و توسعه پژوهش های میان رشته ای میان فقه، حقوق و مدیریت، می تواند مسیر تحول و نوسازی نظام قضایی را تسهیل نماید. این مطالعه با ارائه راهکارهایی عملی، بر ضرورت تقویت همگرایی میان مبانی فقهی و اصول مدیریتی در راستای تحقق حکمرانی عادلانه و کارآمد در نظام قضایی تأکید دارد.

کلیدواژه ها: فقه قضایی، حکمرانی قضایی، اجتهاد پویا، آیت الله هاشمی شاهرودی، مدیریت راهبردی قضایی.

The Jurisprudential Foundations of Judicial Governance in the Thought of Ayatollah Seyyed Mahmoud Hashemi Shahroudi: An Analysis of Modern Approaches in Judicial System Management

Yousef Mohammadi Moghaddam¹, Reza Eaini², Sajad Jiriayi Sharahi², Amir Aini²

¹ Professor, Faculty of Judicial Registration and Management, University of Judicial Sciences and Administrative Services y.mohammadi@ujsas.ac.ir (Corresponding author)

² Master's student, Faculty of Judicial Sciences, University of Judicial Sciences and Administrative Services

Abstract:

The judicial system, as one of the essential pillars of governance, requires a framework that, while adhering to jurisprudential principles and justice-centeredness, is also capable of addressing contemporary managerial challenges. Ayatollah Hashemi Shahroudi, as one of the prominent jurists and judicial reformers of contemporary times, presented a model of "jurisprudence-based judicial governance," based on dynamic *ijtihad*, structural justice, and systematic pragmatism. This study, using an analytical-descriptive method, examines the jurisprudential foundations underlying his judicial thought and evaluates their impact on the judicial reforms during his presidency of the Judiciary. The analysis of the theoretical foundations reveals that, in Ayatollah Hashemi Shahroudi's thought, justice-centeredness is presented as the core principle of judicial governance. It is institutionalized in judicial processes through jurisprudential rules such as the "Rule of Justice," the "Rule of No Harm," and "Rights of Others." Additionally, the role of dynamic *ijtihad* in adapting the judicial system to the demands of time emphasizes the potential of governance jurisprudence in managing the legal system. His reformative actions, such as revising criminal and civil procedure laws, combating economic corruption through institutionalizing jurisprudential-legal oversight, and utilizing modern technologies in judicial processes, demonstrate efforts to create a balance between tradition and modernity within the Judiciary. The findings of this research indicate that the model of judicial governance based on governance jurisprudence not only ensures religious legitimacy but also enhances transparency, efficiency, and accountability in the management of the judicial system. In this context, developing a strategic document for judicial management based on governance jurisprudence and fostering interdisciplinary research between jurisprudence, law, and management could facilitate the transformation and modernization of the judicial system. This study, by providing practical solutions, emphasizes the necessity of strengthening the convergence between jurisprudential foundations and management principles to achieve just and efficient governance within the judicial system.

Keywords:

Judicial Jurisprudence, Judicial Governance, Dynamic *Ijtihad*, Ayatollah Hashemi Shahroudi, Strategic Judicial Management.

حکمرانی قضایی در نظام حقوقی اسلام، به مثابه تبلور اراده تشریعی الهی و تجلی گفتمان عدالت در سپهر اجتماع، همواره بر محوریت اصول فقهی ریشه دار و احکام شرعی ناظر به مصالح عامه استوار بوده است. این حکمرانی، نه تنها در مقام تئوری، که در عرصه عمل نیز ملزم به پاسداری از «حق الله» و «حق الناس» است؛ امری که تقاطع اجتناب ناپذیر فقه سنتی با الزامات حقوقی مدرن را در مدیریت نظام قضایی ایجاد میکند. در این میان، اندیشه های فقهی-حقوقی آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، به عنوان معمار اصلاحات ساختاری در قوه قضاییه ایران، نمونه ای بارز از تلاش برای همسویی «نص شرعی» با «ضرورت های حکمرانی نوین» است. رویکرد ایشان، با اتکا به مبانی اجتهادی پویا و اصولی همچون «رفع خلاف شرع»، «ولایت فقیه در عصر غیبت»، و «عدالت ترمیمی»، الگویی بدیع از مدیریت قضایی را ارائه میدهد که همزمان، وفاداری به شریعت و پاسخگویی به چالش های عینی نظام حقوقی را دنبال میکند. در بستر تاریخی جمهوری اسلامی ایران، نظام قضایی به مثابه حلقه وصل میان فقه امامیه و ساختارهای حقوقی مدرن، همواره با تنش هایی همچون تعارض ظاهری احکام قطعی با موازین شرعی، تأخیر در فرآیند دادرسی، و ناهماهنگی در تفسیر قوانین موضوعه روبه رو بوده است. این چالش ها، ضرورت بازخوانی انتقادی سازوکارهای حکمرانی قضایی را با تکیه بر منابع اصیل فقهی و تجربه های عملی مراجع تقلید آشکار میسازد. در این میان، دوره ریاست آیت الله هاشمی شاهرودی بر قوه قضاییه (۱۳۷۸-۱۳۸۸)، به عنوان عصر طلایی اصلاحات قضایی، شاهد تدوین بخشنامه ها، آیین نامه ها و رویه های نوینی بود که با بهره گیری از ظرفیت های فقه جواهری، به بازتعریف مفاهیمی چون «اعاده دادرسی»، «نظارت سلسله مراتبی»، و «تخصصی شدن مراجع قضایی» پرداخت. این اصلاحات، نه تنها در راستای تحقق «إقامه عدل» به مثابه غایت شریعت، که در جهت نیل به کارآمدی نظام قضایی در عصر حاضر طراحی شدند. ضرورت علمی این تحقیق در دو سطح نظری و عملی نمایان میشود از یکسو، پرتوافکنی بر ظرفیت های ناشناخته فقه شیعه در پاسخگویی به مسائل مدیریتی نظام های حقوقی معاصر، و از سوی دیگر، ارائه الگویی کاربردی برای کاهش فاصله میان «حقوق موضوعه» و «فقه قضایی» در کشورهای اسلامی. این پژوهش گامی است در جهت اثبات این فرضیه که حکمرانی قضایی مبتنی بر فقه پویا، نه تنها مانعی بر سر راه مدرنیزاسیون حقوقی نیست، بلکه میتواند با ایجاد توازن میان «ثبات شرعی» و «انعطاف مدیریتی»، کارآمدی نظام قضایی را به سطحی بی سابقه ارتقا دهد. در نهایت، این نوشتار با هدف ترسیم نقشه راهی برای اصلاحات آینده قضایی، بر آن است تا نشان دهد چگونه میراث فقهی اندیشمندانی چون آیت الله هاشمی شاهرودی، میتواند چراغ راهی برای عبور از بحران های کنونی نظام های حقوقی اسلامی باشد. مذاقه در مجموعه آثار آیت الله هاشمی شاهرودی نشان از این دارد قوه قضاییه زمانی می تواند در سیر تکامل انقلاب اسلامی کارآمد بوده و صیانت بخش حقوق شهروندی باشد که به مسائلی همچون، احقاق حقوق عامه، رعایت اخلاق قضایی، مبارزه مؤثر با مفاسد مختلف در اجتماع، ارتقاء کیفیت کادر قضایی و حقوقی در سطح کشور، لزوم ارائه ایده های برتر حقوقی برای تعالی دستگاه قضایی در شرایط مختلف، تلاش مستمر و

منطقی برای پیش‌گیری از جرم و جنایت در جامعه، حفظ کرامت انسانی در روندهای حقوقی و قضایی و استقلال دستگاه قضایی توجه داشته باشد. (قربی، سید محمد جواد، ۱۴۰۰)

مفهوم حکمرانی قضایی در اسلام

حکمرانی قضایی به مجموعه سازوکارهایی گفته می‌شود که برای تضمین تحقق عدالت در جامعه طراحی، اجرا و نظارت میشوند. این مفهوم در اسلام بر پایه دو رکن اصلی شکل می‌گیرد، ۱. احکام شریعت: قوانین الهی که از قرآن، سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع) استنباط میشوند. ۲. اصول اخلاقی-دینی: ارزش‌هایی مانند انصاف، رعایت حقوق الناس، و تقوا که رفتار قضات و مدیران قضایی را هدایت میکنند. مانند مثال در فقه اسلامی، قاضی موظف است علاوه بر استناد به قوانین، به اخلاقیات مانند دوری از غرض‌ورزی و رشوه‌پذیری پایبند باشد. در قرآن و سنت بر عدالت به عنوان هدف غایی اشاره شده است در آیه ۵۸ سوره نساء (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ) دو دستور کلیدی را بیان میکند، ادای امانت‌ها به صاحبانشان که نماد رعایت حقوق مالکیت و مسئولیت‌پذیری است و حکم به عدالت در داوری که تأکید بر بی‌طرفی و پرهیز از تبعیض در قضاوت است. این آیه خطاب به حاکمان و قضات است و عدالت را نه یک توصیه، بلکه یک فرمان الهی میداند. عدالت در اسلام تنها به عدالت کیفری محدود نیست، بلکه شامل عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز میشود. در دوران حکومت امام علی (ع)، ایشان به قاضیان تأکید می‌کردند که حتی در برابر مخالفان نیز انصاف را رعایت کنند.

ویژگی‌های حکمرانی قضایی در فقه شیعه

۱) الهی بودن مشروعیت، قوانین باید منطبق با شریعت باشند و مشروعیت آنها از اراده خداوند نشئت می‌گیرد. به عنوان مثال مجازات قصاص در قانون مجازات اسلامی ایران، مستند به آیه ۷۹ (سوره بقره) (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ) است.

۲) تلفیق اخلاق و قانون، قاضی نه تنها باید به قانون پایبند باشد، بلکه موظف است بر اساس تقوا و انصاف عمل کند.

۳) حکمرانی قضایی در اسلام تنها به حل اختلافات پس از وقوع محدود نمی‌شود، بلکه سه نقش پیشگیرانه کلیدی دارد:

الف) حفظ نظم اجتماعی، پیشگیری از جرایم با ایجاد قوانین شفاف و بازدارنده (مانند حد سرقت یا شراب‌خواری).

تقویت نهادهای نظارتی مانند حسبه (نهاد امر به معروف و نهی از منکر) برای جلوگیری از فساد پیش از وقوع.

ب) صیانت از حقوق شهروندان، تأکید بر حقوقی مانند حق حیات، مالکیت، و کرامت انسانی که در شریعت

تضمین شده‌اند. به طور مثال در فقه، هرگونه نقض حق الناس (مانند غیبت یا تهمت) نیاز به جبران خسارت دارد،

حتی اگر مجازات قانونی نداشته باشد.

ج) مبارزه با فساد ، اسلام فساد اداری و مالی را از مصادیق «اکل مال به باطل» میداند و برای آن مجازات‌های شدید تعیین کرده است.

مفهوم «حکمرانی قضایی» در حقوق عمومی

در حقوق عمومی، حکمرانی قضایی به سازوکارهای نهادی و فرآیندی اطلاق میشود که هدف آن تضمین حاکمیت قانون، حفظ حقوق شهروندی و کنترل قدرت دولت است. این مفهوم بر اصول زیر استوار است:

الف) مبانی حقوق عمومی

حاکمیت قانون ، همه نهادها و افراد، حتی حکومت، تابع قانون هستند.

تفکیک قوا ، استقلال قوه قضاییه از قوای مجریه و مقننه برای جلوگیری از تمرکز قدرت.

حقوق بنیادین ، تضمین حقوقی مانند حق دادرسی عادلانه، حق دسترسی به وکیل و ممنوعیت شکنجه.

ب) ویژگی‌های حکمرانی قضایی در حقوق عمومی

۱. عقلانیت بوروکراتیک ، عقلانیت بوروکراتیک یعنی اینکه تصمیمات قضایی باید مبتنی بر اسناد مکتوب، آیین‌نامه‌ها و رویه‌های شفاف باشد. مانند رعایت اصل «حق دفاع» در تمام مراحل دادرسی.

۲. نظارت دموکراتیک ، قوه قضاییه از طریق نهادهای انتخابی (مانند مجلس شورای اسلامی) یا افکار عمومی پاسخگو است.

۳. کارآمدی و شفافیت ، استفاده از فناوری برای کاهش فساد اداری (مانند سیستم‌های ثبت الکترونیک پرونده‌ها).

جدول ۱. تفاوت‌های کلیدی بین دو مفهوم

ملاک	فقه شیعه	حقوق عمومی
منبع مشروعیت	اراده الهی و احکام شریعت.	اراده مردم (قانون اساسی مصوب).
هدف اصلی	تحقق عدالت الهی و تقرب به خدا	حفظ نظم اجتماعی و حقوق بشر.
نقش اخلاق	اخلاق دینی جزء جدایی‌ناپذیر قانون.	اخلاق سکولار و انسانی.
نظارت	نظارت فقیه عادل (ولایت فقیه).	نظارت پارلمان یا نهادهای مردمی.
انعطاف‌پذیری	مبتنی بر اجتهاد پویا و مصلحت.	مبتنی بر اصلاحات قانونی.

حکمرانی قضایی در فقه شیعه، بر پایه احکام الهی و اخلاق دینی، عدالت را در چارچوب شریعت تعریف میکند، در حالی که در حقوق عمومی، بر مبنای حاکمیت قانون و حقوق بشر، به دنبال ایجاد تعادل بین قدرت دولت و حقوق

شهروندان است. این دو مفهوم، با وجود تفاوت‌ها، می‌توانند در نظام‌های ترکیبی (مانند ایران) به صورت مکمل عمل کنند.

رابطه فقه حکومتی و مدیریت قضایی در اندیشه فقهای معاصر

فقه حکومتی، شاخه‌ای از فقه اسلامی که به تنظیم روابط حکومت با مردم، طراحی قوانین کلان حکومتی، و تطبیق احکام شرعی با نیازهای جامعه در چارچوب نظام سیاسی می‌پردازد. مانند احکام مربوط به مالیات (خراج، زکات)، سیاست خارجی (جهاد، صلح)، و قضاوت در سطح کلان. مدیریت قضایی، علم و هنر سازماندهی، برنامه‌ریزی، و نظارت بر فرآیندهای قضایی به منظور تحقق عدالت، کارآمدی، و دسترسی عادلانه به خدمات حقوقی. مانند، اصلاح آیین دادرسی، آموزش قضات، و مبارزه با فساد اداری است. فقهای معاصر معتقدند فقه حکومتی و مدیریت قضایی دو روی یک سکه‌اند و رابطه آنها را می‌توان در محورهای زیر بررسی کرد:

الف) فقه حکومتی به عنوان چارچوب نظری مدیریت قضایی مبانی شرعی لازم برای طراحی نظام قضایی را فراهم میکند

- تعیین صلاحیت قضات (مانند عدالت، اجتهاد، و تقوا).

- تعریف جرایم و مجازات‌ها، استناد به احکام حد، تعزیر، و دیات در قانون مجازات اسلامی.

- حقوق شهروندی، تضمین حقوقی مانند حق دادخواهی مطابق آیه ۱۴۸ سوره نسا لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

ب) مدیریت قضایی به عنوان بازوی اجرایی فقه حکومتی اصول فقه حکومتی را در عمل پیاده میکند،

- نهادسازی: ایجاد دادگاه‌های تخصصی (اقتصادی، خانواده) بر اساس فقه المعاملات و فقه الاجتماع.

- شفافیت‌سازی: استفاده از فناوری برای ثبت الکترونیک پرونده‌ها، مبتنی بر قاعده رفع حرج، کاهش مشقت برای

مردم

- پاسخگویی: نظارت بر قضات از طریق نهادهایی مانند «سازمان بازرسی کل کشور» که ریشه در قاعده النصیحه

لائمه المسلمین (خیرخواهی برای پیشوایان مسلمین) دارد.

فقهای معاصر با اجتهاد پویا، فقه حکومتی را با نیازهای مدیریت قضایی امروزی تطبیق میدهند، مانند تأسیس

نهادهای نوین به عنوان مثال ایجاد «دادگاه‌های جرایم سایبری» با استناد به قاعده تحریم ضرر و ضرار (منع آسیب

رسانی به دیگران)، اصلاح قوانین به عنوان مثال بازنگری در قانون آیین دادرسی کیفری برای تسریع در رسیدگی‌ها،

مبتنی بر مصلحت نظام. از نمونه‌های عینی میتوان به تعامل فقه حکومتی و مدیریت قضایی به اصل ۱۵۶ قانون اساسی

اشاره کرد که وظایف قوه قضاییه (احیای حقوق عامه، گسترش عدالت) مستقیماً از فقه حکومتی استخراج شده است.

و یا دادگاه‌های ویژه روحانیت، ترکیبی از فقه سنتی (شرایط خاص قضات) و مدیریت مدرن (رعایت تشریفات دادرسی) اشاره کرد.

جایگاه فقه در مدیریت قضایی: نقش اصول فقه، اجتهاد، و مصلحت در طراحی نظام قضایی

اصول فقه: چارچوب بنیادین نظام قضایی

اصول فقه به مجموعه قواعد و روش‌هایی اطلاق می‌شود که فقها برای استنباط احکام شرعی از منابع چهارگانه (قرآن، سنت، عقل، و اجماع) به کار می‌گیرند. این اصول، زیربنای طراحی نظام قضایی در اسلام را تشکیل می‌دهند، نقش اصول فقه در نظام قضایی را میتوان گفت، تعیین منابع حقوقی، قوانین کیفری، مدنی، و خانواده در نظام قضایی اسلامی باید مبتنی بر قرآن و سنت باشند. به عنوان مثال مجازات سرقت (قطع دست) مستند به آیه وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا (سوره مائده، آیه ۳۸). تدوین قواعد کلی، قواعدی مانند «اصل برائت» (عدم مجازات بدون دلیل) یا «اصل عدم ضرر» (لاضرر و لا ضرار) به عنوان پایه‌های دادرسی عادلانه است. شفافیت فرآیندها، اصولی مانند «بینه علی المدعی» (بار اثبات بر عهده مدعی است) ساختار دادرسی را مشخص میکند. تعامل قوانین موضوعه با اصول فقهی، استناد به قوانین مصوب مجلس بخشنامه رئیس قوه قضاییه مورخ ۱۳۸۷/۴/۵ به مواد قانونی مانند ماده ۱۸ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۸۵) و رأی وحدت رویه ۵۳۸ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱ اشاره دارد. این نشان‌دهنده تلاش برای هماهنگی بین احکام شرعی و قوانین مصوب در چارچوب نظام جمهوری اسلامی است. حفظ اصالت شرعی در آرای قضایی حتی در مواردی که حکم به دلیل عدم رعایت صلاحیت قاضی نقض می‌شود (مانند خروج از قلمرو قانونی)، تشخیص «خلاف شرع بودن» به عنوان معیار اصلی اعاده دادرسی باقی می‌ماند. در قانون مجازات اسلامی ایران، اصل قصاص (ماده ۳۱۰) بر طبق آیه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (سوره بقره، آیه ۱۷۸) و اصل دیات (ماده ۴۴۵) مستقیماً از فقه استخراج شده‌اند.

اجتهاد: پویایی و انعطاف در نظام قضایی

اجتهاد به معنای تلاش فقیه برای استنباط احکام شرعی از منابع دینی، با توجه به شرایط زمان و مکان است. این مفهوم، نظام قضایی را از جمود خارج کرده و پاسخگوی نیازهای متغیر جامعه می‌کند. نقش اجتهاد در مدیریت قضایی را میتوان گفت، تطبیق احکام با مسائل نوپدید به عنوان مثال تطبیق حکم «سرقت» با جرایم سایبری یا استفاده از قاعده «حرمت اخلال در نظم عمومی» برای جرایم زیست‌محیطی. تفسیر قوانین موجود، قضات با تکیه بر اجتهاد، قوانین کلی را در پرونده‌های خاص تفسیر میکنند. به عنوان مثال تفسیر «حق حضانت» در پرونده‌های خانوادگی با توجه به مصلحت کودک. ایجاد نهادهای تخصصی، به عنوان مثال تأسیس دادگاه‌های جرایم اقتصادی با استناد به

فقه المعاملات و قاعده «تحریم ربا». آیت‌الله هاشمی شاهرودی در دوران ریاست قوه قضاییه، با استفاده از اجتهاد پویا، دادگاه‌های مبارزه با فساد اقتصادی را ایجاد کرد که ترکیبی از فقه سنتی و مدیریت مدرن بودند.

مصلحت: تعادل بین شرع و نیازهای جامعه

مصلحت به معنای حفظ منافع عمومی و جلوگیری از ضررهای کلان در مواردی است که احکام اولیه شرعی ممکن است با نیازهای روز جامعه ناسازگار باشند. این مفهوم در نظام قضایی اسلامی، به‌ویژه تحت نظارت ولی فقیه، نقش حیاتی دارد. نقش مصلحت در نظام قضایی را میتوان گفت، تعدیل احکام در موارد ضرورت، به عنوان مثال تعلیق مجازات حد در شرایط خاص (مانند قحطی) بر اساس قاعده «الضرورات تبیح المحظورات». سیاستگذاری کلان، تدوین قوانینی مانند قانون مبارزه با پولشویی که با مصلحت نظام (حفظ سلامت اقتصادی) توجیه میشود. حل تعارضات بین احکام، اولویت‌بندی بین احکام شرعی در موارد تعارض (مثل تقدم «حفظ نفس» بر «حفظ مال»). در دوران جنگ تحمیلی، برخی احکام شرعی (مانند محدودیت‌های تجاری) با استناد به مصلحت نظام، موقتاً تعدیل شدند تا نیازهای دفاعی کشور تأمین شود.

تعامل اصول فقه، اجتهاد، و مصلحت در طراحی نظام قضایی، این سه مفهوم در یک چارچوب هماهنگ عمل میکنند، اصول فقه پایه‌های حقوقی را تعیین میکنند. اجتهاد امکان تطبیق این اصول با شرایط جدید را فراهم میسازد و مصلحت تضمین میکند که تصمیمات قضایی به نفع کل جامعه باشد. به عنوان مثال، طراحی قانون آیین دادرسی کیفری، مبتنی بر اصول فقهی (رعایت عدالت)، با اجتهاد در به کارگیری فناوری (ثبت الکترونیک شکایات)، و توجه به مصلحت عمومی (تسریع در دادرسی برای کاهش نارضایتی اجتماعی). نظام قضایی اسلامی با تکیه بر اصول فقه (به عنوان پایه حقوقی)، اجتهاد پویا (به عنوان موتور انعطاف)، و مصلحت (به عنوان معیار حفظ منافع عمومی)، میتواند الگویی کارآمد و عادلانه ارائه دهد. تجربه ایران در دوران ریاست آیت‌الله هاشمی شاهرودی نشان میدهد که تلفیق این سه عنصر، نه تنها ممکن است، بلکه میتواند به اصلاحات ساختاری مؤثر بینجامد.

بازخوانی نظریه‌های فقهی مرتبط با اداره امور قضایی

قاعده عدل (عدالت)

عدل در فقه به معنای «اعطای حق به صاحب آن» و «رعایت انصاف در داوری» است. مبنای قرآنی این قاعده آیه ۵۸ سوره نساء (وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ) و آیه ۲۵ سوره حدید (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) و مبنای حدیثی این قاعده حدیث مشهور پیامبر (ص): «اعدلوا بین اولادکم» بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید. (بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۹۲)

نقش عدالت در مدیریت قضایی، الف) داوری بی طرفانه، قاضی موظف است بدون توجه به جایگاه اجتماعی، مذهب، یا نژاد طرفین، بر اساس شواهد حکم صادر کند به عنوان مثال در پرونده‌های سیاسی-اقتصادی، قضات نباید

تحت فشار قدرتهای خارجی یا داخلی قرار گیرند. ب) توزیع عادلانه منابع قضایی، ایجاد دسترسی برابر به خدمات قضایی برای همه اقشار جامعه، از جمله مناطق محروم. به عنوان مثال راه اندازی «دادگاه های سیار» در مناطق روستایی ایران برای رسیدگی به دعاوی محلی. ج) شفافیت در فرآیندها، انتشار علنی آرای قضایی (با حفظ حریم خصوصی) برای جلوگیری از ابهام و سوءاستفاده. نمونه عملی در عملکرد ایت الله هاشمی شاهرودی میتوان به تأکید بر تشکیل دادگاه های تخصصی اقتصادی برای رسیدگی عادلانه به پرونده های کلان فساد، بدون تأثیرپذیری از نفوذ متهمان اشاره کرد.

قاعده لاضرر (نقیض ضرر)

لاضرر به معنای «هیچ ضرری نباید وجود داشته باشد و هیچکس نباید به دیگری ضرر برساند» است. حدیث مشهور پیامبر (ص): «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» در اسلام هیچ ضرر و زانی جایز نیست. (الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴، ح ۵۷۱۸) نقش این قاعده در مدیریت قضایی، الف) پیشگیری از احکام ظالمانه، منع صدور احکامی که به حقوق مردم آسیب میزند، حتی اگر از نظر شکلی قانونی باشند. به عنوان مثال ممنوعیت مصادره اموال خانواده مجرم در جرایم غیرمالی. ب) حفاظت از حقوق عمومی، استفاده از این قاعده برای مقابله با جرایم زیست محیطی (مثل آلودگی آب یا هوا). به عنوان مثال محکومیت صناعی که با تخلیه پسماندهای سمی، سلامت مردم را تهدید می کنند. ج) تسریع در دادرسی، کاهش تشریفات زائد اداری که موجب اتلاف وقت و هزینه مردم میشود (رفع حرج). ایت الله هاشمی شاهرودی در کتاب خود تأکید می کنند که اگر احکام قضایی سریع و به وقت و با قاطعیت دقت عدالت و بی طرفی و مساوات انجام شود، حقوق شهروندان تأمین میشود و به همین دلیل توصیه می نمایند: «تشریفات قضایی و ساختار آیین دادرسی می بایست به گونه ای باشد که با سرعت و سهولت احقاق حق شود.» (هاشمی شاهرودی ۱۳۹۸ الف: ۴۲) نمونه عملی در عملکردی ایشان اصلاح آیین دادرسی کیفری با حذف مراحل غیرضروری، مبتنی بر قاعده لاضرر، تا مردم زمان و هزینه کمتری متحمل شوند.

حق الناس (حقوق مردم)

حق الناس به حقوقی اطلاق میشود که افراد نسبت به یکدیگر دارند و نقض آنها نیاز به جبران خسارت دارد. حق الله مربوط به حقوق الهی است (مانند نماز یا روزه)، اما حق الناس مرتبط با حقوق بشری است (مانند مال، حیثیت، و جان). مبنای قرآنی حق الناس آیه ۵۸ سوره نساء (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا). نقش حق الناس در مدیریت قضایی، الف) اولویت جبران خسارت بر مجازات، در جرایمی مانند کلاهبرداری یا تخریب اموال، قاضی موظف است پیش از مجازات مجرم، جبران خسارت زیان دیده را تضمین کند. به عنوان مثال الزام متهم به بازپرداخت بدهی قبل از تحمل حبس. ب) حفظ کرامت انسانی، منع تحقیر متهمان در فرآیند دادرسی،

حتی اگر مجرم باشند. ممنوعیت پخش تصاویر متهمان در رسانه‌ها پیش از قطعی شدن حکم. ج) حق اعتراض و تجدیدنظر، تضمین حق تجدیدنظرخواهی برای همه شهروندان، مطابق قاعده تدرؤوا الحدود بالشبهات حدود را با شبهات متوقف کنید. (الصدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷۴)

این سه قاعده در عمل به صورت مکمل عمل میکنند، عدالت (قاعده عدل): هدف نهایی نظام قضایی. پیشگیری از ضرر (قاعده لاضرر): تضمین کننده سلامت فرآیندها. حق الناس: محوریت حقوق فردی و اجتماعی. نمونه عملی در عملکرد ایت الله هاشمی شاهرودی، می توان به راه اندازی دفاتر معاضدت قضایی برای کمک به افراد کم بضاعت در احقاق حقوق خود، مانند دریافت مهریه یا نفقه اشاره کرد.

مبانی فقهی حکمرانی قضایی در اندیشه آیت الله هاشمی شاهرودی

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه دارای جایگاه رفیعی در حکومت اسلامی است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۰ الف) آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، به عنوان یکی از فقهای برجسته شیعه و رئیس سابق قوه قضاییه ایران، رویکردی نظام مند به حکمرانی قضایی داشت و از دیدگاه ایشان مسئولان قضایی کشور را به راهبردهایی نظیر اخلاق قضایی و نظام اسلامی، ارتقاء ضابطان دادگستری، مدیریت اسلامی در نهادهای قضایی کشور، بازشناسی مشکلات حقوقی مردم، تقسیم کار و درجه بندی محاکم، نظارت و ارزیابی مستمر نهادهای حقوقی و قضایی، ارتقاء علمی و عملی قضات، مشاورت در قضا و نظایر آن توجه داشته باشند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱) که ریشه در مبانی عمیق فقهی و اصول اسلامی داشت. مبانی فقهی حکمرانی قضایی در اندیشه ایشان را میتوان در محورهای زیر تحلیل کرد:

عدالت محوری به مثابه سنگ بنای حکمرانی قضایی

عدالت محوری در مدیریت قضایی، به معنای قرار دادن عدالت به عنوان محور اصلی تمام فرآیندها، ساختارها و تصمیمات قضایی است. این مفهوم در اندیشه آیت الله هاشمی شاهرودی، ریشه در مبانی فقهی و ارزش های اسلامی دارد و به عنوان اصل غیر قابل انعطاف در نظام قضایی ایران و جهان اسلام مطرح میشود. حقوق شهروندی در رابطه شهروندان با حاکمیت به وجود می آید و در این معنا مدیریت باید به گونه ای شکل گیرد که حقوق، سلب یا تضییع نشود و نظام های قضایی و حقوقی که بتوانند این حقوق را ضمن مدیریت کلان جامعه به شکلی دقیق تر حفظ نمایند، موفق تر هستند. (قربی، ۱۴۰۰) عدالت در فقه شیعه، به معنای «اعطای حق به صاحب آن» و «برقراری تعادل بین حقوق فرد و جامعه» است. آیه ۵۸ سوره نساء وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (و هنگامی که میان مردم داوری میکنید، به عدالت داوری کنید). و آیه ۲۵ سوره حدید لِيُقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (تا مردم به قسط و عدل قیام کنند) به عنوان سند الهی بر ضرورت عدالت در قضا تاکید می کنند. تأکید پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر داوری عادلانه حدیث

پیامبر (ص): «بالعدل قامت السموات و الأرض» آسمان‌ها و زمین بر پایه عدالت برپا شده‌اند (عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۰۳) طبق اصل اصل ۵۷ قانون اساسی: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت اعمال می‌گردند، وظیفه قوه قضائیه پاسداری از حقوق مردم و تحقق عدالت است. اهداف قوه قضائیه با اهداف حکومت اسلامی (نفی سلطه‌گری فردی یا گروهی) همسو است (قربی، ۱۴۰۰). تجلی عدالت در مدیریت قضایی مانند اصلاح ساختار دادرسی، ایجاد دادگاه‌های تخصصی (اقتصادی، خانواده، محیط زیست) برای تضمین رسیدگی عادلانه به پرونده‌های پیچیده. تأسیس «دادگاه‌های مبارزه با فساد اقتصادی» برای محاکمه مسئولان بلندپایه بدون ملاحظات سیاسی. تسهیل دسترسی به عدالت، راه‌اندازی مراکز معاضدت قضایی رایگان در مناطق محروم برای حمایت از حقوق زنان، کودکان، و اقشار کم‌درآمد و کاهش هزینه‌های دادرسی و حذف تشریفات زائد اداری مبتنی بر قاعده فقهی «رفع حرج». شفافیت فرآیندها، استفاده از سامانه‌های الکترونیکی (مانند سامانه «ثنا») برای ثبت شکایات و پیگیری پرونده‌ها، به‌منظور جلوگیری از فساد و تبعیض است. آیت‌الله هاشمی شاهرودی عدالت را نه فقط یک ارزش اخلاقی، بلکه الزامی ساختاری برای نظام قضایی میدانست و توسعه قضایی را در این معنا می‌کردند که این دستگاه بتواند در حد مطلوب به تمام آن اهداف و مقاصدی که دنبال می‌کند برسد و در حقیقت به فلسفه وجودی دستگاه قضایی در جامعه دست یابد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸ چ)

تفاوت عدالت محوری اسلامی با نظام‌های سکولار: عدالت محوری اسلامی با نظام‌های سکولار تفاوت‌هایی مانند مبنای مشروعیت، در اسلام، عدالت برخاسته از اراده الهی است، در حالی که در نظام‌های سکولار، عدالت محصول توافق اجتماعی یا ایدئولوژی‌های بشری است. در نظام اسلامی، اخلاق دینی (مانند تقوا و انصاف) جزئی جدایی‌ناپذیر از فرآیند قضایی است. در اسلام، عدالت قضایی زمینه‌ای برای تقرب به خدا و حفظ نظام اسلامی است، اما در نظام‌های سکولار، عدالت به عنوان حق بشری مستقل تعریف می‌شود. تأکید آیت‌الله هاشمی شاهرودی بر عدالت محوری، نشان‌دهنده تلفیق عمیق فقه سنتی با مدیریت نوین است. این رویکرد ثابت می‌کند که عدالت در اسلام، صرفاً یک شعار نیست، بلکه ساختاری نظام‌مند است که در قالب نهادها، فرآیندها و اهداف کلان تجلی می‌یابد. الگوی ایشان می‌تواند برای کشورهای اسلامی که در پی ایجاد نظام قضایی عادلانه و کارآمد هستند، الهام‌بخش باشد.

اجتهاد پویا: تطبیق فقه با نیازهای نوین

اجتهاد پویا (یا اجتهاد جواهری) به معنای استنباط احکام شرعی با تکیه بر منابع دینی (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و با توجه به شرایط زمان و مکان است. این مفهوم، فقه اسلامی را از جمود خارج کرده و آن را برای پاسخگویی به نیازهای پیچیده و متغیر جوامع امروزی آماده می‌سازد حدیث مشهور امام صادق (ع): **الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ**

کسی که زمانه خود را بشناسد، در مشکلات غافلگیر نمیشود (تحف العقول: ۳۵۶). آیه ۴۳ سوره نحل فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (اگر نمیدانید، از آگاهان پرسید) در مدیریت قضایی، اجتهاد پویا به عنوان پُل ارتباطی بین سنت و مدرنیته عمل میکند و تضمین میکند که نظام قضایی همزمان اسلامی، عادلانه و کارآمد باشد. پویایی به معنای انعطاف پذیری و تطبیق احکام با نیازهای نوین، بدون خروج از چارچوب شریعت. چرایی ضرورت اجتهاد پویا در نظام قضایی معاصر در چند مورد میتوان دریافت،

۱. ظهور مسائل نوپدید: جرایم سایبری، پولشویی، تخریب محیط زیست، و نقض حقوق دیجیتال نیازمند احکام جدیدی هستند که در منابع سنتی سابقه ندارند. به عنوان مثال تعیین مجازات برای هک حساب های بانکی با استناد به قاعده فقهی «تحريم اكل مال به باطل».

۲. تغییر در ماهیت روابط اجتماعی: تحول در نهاد خانواده (مانند ازدواج های بین المللی)، چالش های حقوقی کسب و کارهای نوین (مانند رمزارزها)، و مسائل مرتبط با حقوق بشر.

۳. تعامل با نظام های حقوقی جهانی: لزوم تطبیق قوانین اسلامی با اسناد بین المللی (مانند کنوانسیون حقوق کودک) بدون نقض اصول شرعی.

۴. ترمیم عدالت به جای مجازات صرف: عدالت ترمیمی، تشویق به سازش و جبران خسارت در پرونده های غیرخشونت آمیز (مانند اختلافات مالی) با استناد به حدیث «الصلح سید الاحکام» به عنوان مثال میانجی گری بین طرفین دعوای ملکی و تقسیم عادلانه زمین.

اجتهاد پویا، قلب تپنده نظام قضایی اسلامی است که با ترکیب اصول ثابت شریعت و انعطاف پذیری مدیریتی، پاسخگوی نیازهای پیچیده جوامع امروزی است. تجربه موفق کشورهایمانند ایران در دوران آیت الله هاشمی شاهرودی نشان میدهد که این رویکرد نه تنها ممکن است، بلکه میتواند الگویی برای تحقق عدالت و کارآمدی در جهان اسلام باشد. در عصر حاضر، اجتهاد پویا تنها راه حفظ هویت اسلامی و همزمان همگامی با تحولات جهانی است.

مصلحت نظام: تعادل بین شرع و کارآمدی

مصلحت نظام (مصلحت عمومی) در فقه شیعه به معنای تأمین منافع کلی جامعه اسلامی و پیشگیری از ضررهای کلان است که گاه بر پایه آن، احکام اولیه شرعی به صورت موقت تعدیل یا تعلیق میشوند. این مفهوم در نظام جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در قوه قضاییه و مدیریت کلان کشور، جایگاهی محوری دارد و به عنوان ابزاری برای هماهنگی بین شرع و نیازهای نوین استفاده میشود. مصلحت در فقه اسلامی، به معنای «جلب منفعت» یا «دفع ضرر» برای جامعه است. مصلحت نظام، حفظ تمامیت، امنیت، و پیشرفت نظام اسلامی در سطح کلان، حتی اگر نیازمند تعدیل احکام اولیه باشد. طبق قاعده «لاضرر» (هیچ ضرری نباید وجود داشته باشد). و قاعده «ضرورات تبیح

المحظورات» (ضرورت‌ها، محرمات را جایز می‌کنند) همچنین آیه ۳۲ سوره توبه: «وَيَا أَيُّهَا اللَّهُ إِنَّا أُنُتِمَ نُورَهُ» (خداوند نمی‌پذیرد مگر اینکه نور خود را کامل کند) می‌توان مصلحت را در مبانی فقهی یافت.

جایگاه مصلحت در تصمیم‌گیری‌های قضایی:

الف. تعدیل مجازات‌ها در شرایط خاص، طبق مبنای حفظ نظم عمومی و جلوگیری از «فساد فی الارض» (اخلال در جامعه). به عنوان مثال تعلیق مجازات حد سرقت در دوران قحطی یا بحران‌های اقتصادی برای جلوگیری از شورشهای اجتماعی.

ب. تأمین حقوق عمومی در پرونده‌های حساس، حفظ بیت‌المال (صیانت از اموال عمومی) به عنوان مثال در پرونده‌های فساد اقتصادی کلان، قاضی ممکن است مصادره اموال متهم را حتی پیش از صدور حکم قطعی، به‌منظور حفظ اموال عمومی و جلوگیری از فرار سرمایه، مجاز بداند.

ج. استفاده از روش‌های جایگزین دادرسی، طبق حدیث الصلح سید الاحکام (سازش سرور احکام است) به عنوان مثال تشویق به سازش و میانجیگری در اختلافات خانوادگی یا تجاری به جای صدور حکم قضایی، برای کاهش تنش‌های اجتماعی.

جایگاه مصلحت در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی:

الف. سیاستگذاری‌های اقتصادی، بر طبق قاعده نفی سیل (عدم سلطه کفار بر مسلمین) به عنوان مثال تصویب قوانین ضد تحریم یا مبارزه با قاچاق کالا برای حفظ استقلال اقتصادی کشور، حتی اگر برخی از این قوانین با احکام اولیه تجارت در فقه تفاوت داشته باشند.

ب. مدیریت بحران‌های اجتماعی، طبق قاعده دفع افسد به فاسد (جلوگیری از ضرر بزرگتر با تحمل ضرر کوچکتر) به عنوان مثال اعمال محدودیت‌های موقت بر آزادی‌های فردی در دوران همه‌گیری بیماری‌ها (مانند کووید-۱۹) برای حفظ سلامت عمومی.

ج. تعامل با نظام بین‌الملل، آیه ۶۰ سوره انفال وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (هر چه در توان دارید برای مقابله با دشمن آماده کنید) به عنوان مثال امضای توافقنامه‌های بین‌المللی (مانند برجام) با وجود برخی ابهامات شرعی، به‌منظور کاهش فشارهای سیاسی و اقتصادی.

مصلحت نظام در حکمرانی اسلامی، پلی بین ثبات شریعت و انعطاف‌پذیری مدیریتی است. این مفهوم به نظام قضایی و مدیریتی اجازه می‌دهد در مواجهه با چالش‌های پیچیده امروزی (از بحران‌های اقتصادی تا تهدیدات امنیتی)، بدون خروج از چارچوب اسلامی، تصمیماتی عاقلانه و عملی اتخاذ کند. تجربه نشان می‌دهد مصلحت نه تنها یک نظریه فقهی، بلکه ابزاری ضروری برای اداره کشور در عصر حاضر است. این مبانی در عمل به‌صورت یک سیستم

یکپارچه عمل میکنند عدالت (هدف غایی) ← اجتهاد پویا (ابزار تطبیق) ← مصلحت (ضمانت اجرا). به عنوان مثال در پرونده‌های زیست محیطی، قاضی با تکیه بر اجتهاد پویا، احکامی صادر میکند که هم عدالت را برقرار کند (عدل)، هم از آسیب به طبیعت جلوگیری نماید (لاضرر)، و هم منافع عمومی را حفظ کند (مصلحت).

شفافیت، پاسخگویی، و کارآمدی در ساختار قضایی:

این سه اصل (شفافیت، پاسخگویی، و کارآمدی) به عنوان ارکان اصلی یک نظام قضایی مدرن و عادلانه شناخته میشوند. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در دوران ریاست خود بر قوه قضاییه ایران، با تکیه بر مبانی فقهی و تجربیات عملی، تلاش کرد این اصول را در ساختار قضایی کشور نهادینه کند.

۱. شفافیت، شفافیت به معنای دسترسی آزادانه شهروندان به اطلاعات، فرآیندها، و تصمیمات قضایی است تا امکان نظارت عمومی و کاهش فساد فراهم شود. النصيحة لأئمة المسلمين (خیرخواهی برای پیشوایان مسلمین) که شفافیت را به عنوان ابزار نظارت مردمی توجیه میکند.

۲. پاسخگویی، طبق آیه ۴۴ سوره مائده وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (و هر کس به آنچه خدا نازل کرده حکم نکند، پس آنان کافرانند) پاسخگویی به معنای الزام مسئولان قضایی به توضیح و توجیه تصمیمات خود در قبال مردم و نهادهای ناظر است.

۳. کارآمدی، کارآمدی به معنای رسیدگی سریع، دقیق، و کم هزینه به پرونده‌ها با استفاده بهینه از منابع انسانی، مالی، و فناوری است. حدیث پیامبر (ص): يَسْرُوا وَلَا تَعْسَرُوا، آسان بگیرید و سخت گیری نکنید. (الدرر المثور: ۱/۴۶۵). این سه اصل در عمل مکمل یکدیگرند:

شفافیت ← اعتماد عمومی ← مشارکت مردم در نظارت.

پاسخگویی ← کاهش فساد ← بهبود عملکرد قضات.

کارآمدی ← کاهش هزینه و زمان ← افزایش رضایت شهروندان.

فناوری و مدیریت قضایی، آموزش قضات در حوزه‌های نوین حقوقی

در عصر حاضر، فناوری‌های نوین نه تنها به عنوان ابزاری کمکی، بلکه به مثابه جزئی جدایی ناپذیر از نظام قضایی مدرن شناخته میشوند. این فناوری‌ها با تسریع فرآیندهای دادرسی، افزایش شفافیت، و کاهش فساد اداری، امکان تحقق عدالت را به شکلی کارآمدتر و عادلانه‌تر فراهم میکنند. در نظام حقوقی اسلام، به کارگیری فناوری با تکیه بر اجتهاد پویا و مصلحت نظام، نه تنها مشروع، بلکه ضروری است.

تلفیق فقه سنتی با فناوری‌های نوین در فرآیند دادرسی

ترکیب فقه اسلامی با فناوری‌های مدرن در نظام قضایی، نه تنها یک ضرورت عصر حاضر، بلکه تکمیل‌کننده مسیر عدالت بر اساس اصول شرعی است. آیت‌الله هاشمی شاهرودی با تکیه بر اجتهاد پویا و مصلحت نظام، تلاش کرد تا فناوری را به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف فقهی در فرآیند دادرسی به کار گیرد. مبانی فقهی مشروعیت فناوری در دادرسی، قاعده «الوسائل لها أحكام المقاصد» (ابزارها تابع اهداف هستند) اگر فناوری در مسیر تحقق عدالت (هدف شرعی) به کار رود، مشروع است. تأکید قرآن بر استفاده از علم به عنوان مثال آیه ۱۱ سوره رعد «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمیدهد مگر آنکه خودشان تغییر ایجاد کنند). تأکید بر تطابق احکام با موازین شرعی اصل «خلاف بین شرع» به عنوان مبنای فقهی نقض احکام قضایی مطرح شده است. هرگاه حکم قطعی صادره مغایر با اصول شرعی تشخیص داده شود، مشمول ماده ۱۸ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب میگردد و امکان اعاده دادرسی فراهم میشود. در مواردی که شعب دیوان عالی کشور حکم را خلاف شرع بدانند، رأی نقض شده و حکم ماهوی جدید صادر میشود. این رویکرد نشان‌دهنده تلفیق فقه اسلامی با سازوکارهای حقوقی مدرن است. تصمیم‌گیری درباره اعاده دادرسی با تأیید رئیس قوه قضاییه انجام میشود. این امر نشان‌دهنده رویکردی مبتنی بر ولایت فقیه و تمرکز اختیارات در نهادهای بالادستی برای حفظ انطباق با شرع است. درخواست اعاده دادرسی در امور کیفری تنها در صورت تشخیص «خلاف شرع بودن حکم» توسط مراجع ذیصلاح (مانند دیوان عالی کشور) موجب توقف اجرای حکم میشود. این تمایز مبتنی بر اولویت حفظ حقوق عمومی در فقه اسلامی است. مرجع صالح برای اعاده دادرسی در پرونده‌های کیفری، دادگاه هم‌عرض محکمه صادرکننده حکم، مرجع رسیدگی مجدد است. این رویکرد، اصل «تخصصی شدن مراجع قضایی» را تقویت میکند که در فقه شیعه با مفهوم «تقسیم کار بر اساس عدالت» همسو است.

فناوری‌های نوین و تطبیق آنها با فقه در دادرسی

الف. سامانه‌های الکترونیک ثبت و پیگیری پرونده‌ها به عنوان مثال سامانه «ثنا» در ایران ثبت شکایات به صورت آنلاین، کاهش مراجعه حضوری، و جلوگیری از گم‌شدن پرونده‌ها. مشروعیت اسناد الکترونیک بر اساس قاعده «الامارات تعتبر شرعاً» (قرائن شرعی معتبرند). (اصطلاحات الاصول، مشکینی، علی، ص ۷۰). رعایت شرط «توثیق» (ضمانت اجرای سند) با استفاده از امضای دیجیتال و رمزنگاری.

ب. دادرسی مجازی (دادگاه‌های آنلاین) به عنوان مثال برگزاری جلسات دادرسی از طریق پلتفرم‌هایی مانند «ادوب کانکت» در دوران همه‌گیری کرونا. تطبیق فقهی، تحقق شرط «حضور طرفین» با حضور مجازی، مطابق نظر برخی فقها. استفاده از قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» در شرایط اضطراری مانند کرونا.

ج. هوش مصنوعی در تحلیل پرونده‌ها به عنوان مثال نرم‌افزارهای پیشبینی روند پرونده‌ها بر اساس داده‌های تاریخی. تطبیق فقهی مسئله استفاده از هوش مصنوعی به عنوان «معاون قاضی» نه جایگزین او، تا اصل «اجتهاد» نقض نشود. تطابق با قاعده «استصحاب» (فرض استمرار وضعیت سابق) در تحلیل الگوهای حقوقی.

د. بلاکچین برای اسناد قضایی به عنوان مثال ثبت غیرقابل دستکاری احکام و اسناد در زنجیره بلوکی. تحقق شرط «عدم تحریف اسناد» مطابق آیه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» حق را با باطل نیامیزید. (بقره، آیه ۴۲)

مزایای تلفیق فناوری با فقه در دادرسی

- سرعت و دقت: کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها از ماه‌ها به روزها.
- شفافیت: دسترسی آنلاین به روند دادرسی و جلوگیری از فساد اداری.
- عدالت توزیعی: دسترسی روستاییان و افراد کم‌توان به خدمات قضایی از طریق دادرسی مجازی.
- حفظ اسناد: امنیت بالای اسناد الکترونیک در برابر آسیب‌های فیزیکی (مانند آتش‌سوزی).

آموزش قضات در حوزه‌های نوین حقوقی

توجه به جهان بینی اسلامی عامل تحرک در نظام و حکومت دینی است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ الف) و با توجه به مبانی اعتقادی، خدمت به مردم نیز یک اصل دینی فراگیر و بایسته خواهد بود. بر اساس اندیشه سیاسی آیت الله شاهرودی جایگاه خدمت رسانی به مردم در اسلام بسیار رفیع است و به همین دلیل بین نظام مردم سالاری دینی و نهضت خدمت رسانی ارتباطی وثیق برقرار است و برای احقاق حقوق عامه در حکومت اسلامی و تقویت حقوق شهروندی لازم است به مسئله خدمت رسانی به مردم توجه ویژه شود. بنابراین تلاش برای تحقق خدمت رسانی در حوزه های قضایی امری لازم برای تعالی جامعه دینی و حکومت اسلامی است و در این میان نباید از وظایف خطیر دادرها در نهضت خدمت رسانی به مردم غفلت ورزید. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۳ پ) در یکی از گفتارهای آیت الله شاهرودی یکی از مشتقات خدمت به مردم جلوگیری از ضایع شدن حقوق آنها ذکر شده و بر اساس باور ایشان احقاق حق مظلوم واقعاً یک عبادت و یک امر از واجبات است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸ د: ۱۸) طبق حدیث امام صادق (ع): الْعَالَمُ بَرْمَانَةٌ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَابِسُ کسی که زمانه خود را بشناسد، در مشکلات غافلگیر نمی‌شود (تحف العقول: ۳۵۶). ضرورت آموزش قضات در پیچیدگی جرایم نوظهور، جرایم سایبری، پولشویی، و نقض حقوق دیجیتال نیازمند دانش تخصصی و تغییر در ماهیت روابط اجتماعی، ازدواج‌های بین‌المللی، کسب و کارهای نوین (مانند رمزارزها)، و مسائل مرتبط با حقوق بشر خلاصه می‌شود. از مزایای آموزش قضات میتوان به افزایش دقت در صدور احکام به عنوان مثال در پرونده‌های جرایم سایبری، قضات آموزش دیده میتوانند شواهد دیجیتال را به درستی تحلیل کنند. هماهنگی با تحولات جهانی، قضات آشنا با حقوق بین‌الملل میتوانند در پرونده‌های فرامرزی بهتر

تصمیم‌گیری کنند و در نهایت کاهش خطاهای قضایی، استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار کمکی برای تحلیل داده‌های حقوقی اشاره کرد.

نوسازی ساختار قضایی: اصلاح سازوکارهای دادرسی با تکیه بر فقه اجتماعی

فقه اجتماعی (الفقه الاجتماعی) به‌مثابه شاخه‌ای پویا از فقه اسلامی، بر تنظیم روابط جمعی، حفظ مصالح عمومی و تحقق عدالت ساختاری در جامعه تمرکز دارد. این رویکرد، فراتر از احکام فردی، به ابعاد کلان حکمرانی، از جمله نظام قضایی، می‌پردازد و بر پایه اصولی چون، مصلحت نظام (حفظ کلیت نظام اسلامی)، عدالت توزیعی (توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها)، حقوق الناس (تأکید بر جبران خسارت به‌جای مجازات صرف) استوار است. فقه اجتماعی با نگاهی سیستمی، قوانین را نه در خلأ، بلکه در تعامل با واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تفسیر می‌کند. نظام قضایی سنتی، با چالش‌های نوینی مانند پیچیدگی پرونده‌ها، افزایش جرایم سازمان‌یافته، و انتظارات جدید شهروندان روبه‌روست. یکی از شاخص‌های مطلوب سیستم قضایی از دیدگاه آیت الله شاهرودی، رعایت بهداشت قضایی است و ایشان برای تعالی نظام اسلامی و رشد مدیریت خرد و کلان کشور رعایت بهداشت قضایی را توصیه می‌کنند. ایشان در این خصوص اشاره می‌نمایند: «ما احساس کردیم یک بیماری در کل سیستم‌های مدیریتی کشور در رابطه با حقوق مردم وجود دارد. باید توجه داشت تا زمانی که جلوی ویروس‌ها گرفته نشود، امنیت حقوقی، اقتصادی، مالی و.... تحت تأثیر ویروس‌ها قرار خواهد گرفت و تکثیر دادگاه‌ها اثری نخواهد داشت. شهرداری‌ها، گمرکات، بانک‌ها، بیمه و اداره ثبت اسناد و املاک از جمله دستگاه‌های ورودی حقوق مردم هستند. اگر این ورودی‌ها اصلاح بهداشتی نشوند ما با افزایش دادگاه و شوراهای حل اختلاف به جایی نمی‌رسیم نا امنی‌های حقوقی موجود در جامعه زیاد شده باید با انجام اقدامات مقتضی اجازه ندهیم تولید پرونده داده شود. ما در دستگاه قضایی به این نتیجه رسیدیم که باید بهداشت حقوقی را از سیستم‌های مبادی ورودی حقوق مردم شروع کنیم و ساختارهای مناسب در سیستم‌های مبادی ورودی ایجاد شود.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸، پ: ۲۹۶) ایشان در جایی دیگر اشاره می‌کنند: «ما همان‌گونه که در کلیه مسائل قضایی نیاز به بهداشت قضایی و بهداشت مبارزه با فساد داریم در مسئله قضایی مربوط به امور اقتصادی نیز به این امر نیازمندیم همان‌گونه که امروزه همه دنیا از جمله کشور ما در مورد سلامت جسمانی افراد معتقد به رعایت بهداشت پیش از اتخاذ راه کارها برای درمان است. در خصوص مسائل حقوقی و قضایی نیز باید همین‌گونه باشد زیرا کثرت جرم و دعوای حقوقی نوعی ویروس و میکروب در جامعه است که باید به وسیله سیاست‌های صحیح درمان شود.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸، ت: ۳۳) فقه اجتماعی به‌مثابه موتور محرکه نوسازی قضایی است اصلاح سازوکارهای دادرسی با تکیه بر فقه اجتماعی، نه تنها بازگشت به ریشه‌های دینی نظام حقوقی است، بلکه پاسخی هوشمندانه به نیازهای پیچیده جهان مدرن محسوب می‌شود. این رویکرد با ترکیب ثبات شرعی و انعطاف‌پذیری مدیریتی، امکان تحقق عدالتی را فراهم می‌کند که هم کارآمد است

و هم مورد پذیرش وجدان جمعی است. تجربه نشان می‌دهد که نهادهای تخصصی (مانند دادگاه‌های خانواده و اقتصادی) می‌توانند با کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی زمان دادرسی و افزایش ۴۰ درصدی رضایت شهروندی، الگویی برای دیگر کشورهای اسلامی باشند. با این حال، موفقیت کامل این اصلاحات نیازمند تقویت نهادهای نظارتی، تأمین منابع مالی، و فرهنگسازی دینی است

اخلاق حرفه‌ای قضات: تربیت بر اساس آموزه‌های فقهی و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی

اخلاق قضایی در گفتار و اندیشه آیت الله شاهرودی هم نشین مفهوم مردم داری است. (هاشمی شاهرودی ۱۳۸۵ پ، جلد ۳-۴۳۷-۴۴۴) در کتاب نظام قضای اسلامی به نگارش آیت الله شاهرودی آمده است ویژگی قضای اسلامی اخلاق قضایی است. در اسلام علاوه بر اخلاق عمومی که برای همه افراد در جامعه اسلامی لازم است برای قضاوت و قاضی اخلاق و آداب خاصی وجود دارد که ممکن است در متون فقهی ما به عنوان اخلاق و آداب قاضی آمده باشند ولی برای تحقق بخشیدن به عدالت مورد نظر نظام اسلامی بسیار مهم تر و مؤثرتر از احکام قضایی هستند. قاضی به خصوص وقتی در جایگاه قضاوت قرار می‌گیرد باید در همه مراحل دادرسی مواظب اخلاق و آداب قضایی خود باشد. هر یک از مراحل تحقیق بازپرسی و دادرسی و اجرای حکم آداب اخلاقی بسیار مؤکد و شدید و غلیظی دارد که می‌بایست تدوین شده و آموزش داده شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸ ب: ۱۲-۱۱) اخلاق حرفه‌ای در نظام قضایی اسلامی، ریشه در اصول فقهی و ارزش‌های دینی دارد که قاضی را نه تنها به عنوان یک مجری قانون، بلکه به مثابه امین خداوند و حافظ حقوق مردم معرفی میکند.

مبانی فقهی و قرآنی تربیت

عدالت (القِسْطُ)، آیه ۵۸ سوره نساء إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (خداوند به شما فرمان می‌دهد امانتها را به صاحبانشان بازگردانید و هنگام داوری میان مردم به عدالت حکم کنید). قاضی موظف است فارغ از هر گونه تبعیض، رشوه، یا وابستگی سیاسی، تنها به عدالت پایبند باشد. تقوا و پرهیزگاری، آیه ۸ سوره مائده وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (دشمنی با قومی شما را به بی‌عدالتی نکشانند؛ عدالت پیشه کنید که به تقوا نزدیکتر است). قاضی باید در مواجهه با متهمان، حتی اگر از دشمنان شخصی یا سیاسی باشند، بی‌طرفی را رعایت کند.

امانت داری، قاضی باید از هر گونه سوءاستفاده از موقعیت شغلی (مانند دریافت رشوه یا امتیاز ویژه) پرهیز کند.

تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نظام قضایی

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نظام قضایی به معنای پاسخگویی به مردم، شفافیت در عملکرد، و حساسیت نسبت به نیازهای جامعه است. این اصل در فقه اسلامی با مفاهیمی چون حِسْبِه (نظارت عمومی) و امر به معروف و نهی از منکر گره خورده است.

حسبه: نهادی در تمدن اسلامی که مسئول نظارت بر بازار، اخلاق عمومی، و عملکرد کارگزاران حکومتی بود. قاضی به عنوان «محتسب» موظف است همزمان با رسیدگی به پرونده‌ها، از حقوق عمومی دفاع کند. به عنوان مثال رسیدگی به شکایت‌های مردمی درباره گران‌فروشی یا احتکار.

امر به معروف و نهی از منکر، آیه ۱۰۴ سوره آل عمران وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ باید از میان شما گروهی باشند که به نیکی دعوت کنند و به معروف فرمان دهند و از منکر بازدارند. قاضی به عنوان الگوی جامعه، باید در برابر تخلفات سیستماتیک (مانند تبعیض نژادی یا فساد مالی) واکنش نشان دهد.

تربیت قضات بر اساس آموزه‌های فقهی و تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی، دو رکن اساسی برای ایجاد نظام قضایی عادلانه و مورد اعتماد مردم است. این رویکرد نه تنها با تأکید بر عدالت و امانت‌داری، هویت اسلامی نظام قضایی را حفظ میکند، بلکه با شفافیت و پاسخگویی، آن را با استانداردهای جهانی همسو میسازد.

مطالعه موردی دوران ریاست قوه قضاییه

دوران ریاست آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی بر قوه قضاییه ایران (۱۳۷۸-۱۳۸۸) به عنوان دوره‌ای تحول‌آفرین در تاریخ نظام قضایی کشور شناخته می‌شود. ایشان با تکیه بر مبانی فقهی و تجربه مدیریتی، اصلاحات ساختاری عمیقی را پیاده کرد که دو اقدام شاخص آن، اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی و مبارزه سیستماتیک با فساد اقتصادی بود. این اقدامات نه تنها بازتابی از اصول فقه شیعه بود، بلکه الگویی برای تلفیق سنت و مدرنیته در حکمرانی قضایی ارائه داد.

الف. اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی با محوریت فقه
این اصلاحات با هدف کاهش زمان دادرسی، شفاف‌سازی فرآیندها، و تقویت حقوق شهروندی طراحی شدند و در چارچوب فقه اجتماعی و قاعده «رفع حرج» (کاهش مشقت برای مردم) اجرا گردیدند.
محورهای کلان اصلاحات

۱. تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها، تعیین مهلت‌های قانونی برای هر مرحله از دادرسی (مانند ۳۰ روز برای صدور حکم ابتدایی) و حذف تشریفات زائد اداری، مانند نیاز به تأییدیه‌های مکرر از نهادهای موازی.
۲. تأکید بر حقوق متهمان، تضمین حق دسترسی به وکیل از مراحل اولیه بازجویی، منع استفاده از هرگونه شکنجه یا اعتراف اجباری با استناد به قاعده فقهی «ابطال اقرار تحت اکراه». (ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی) به عنوان مثال در پرونده‌های سیاسی-امنیتی، حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی الزامی شد.

۳. شفافیت در فرآیند دادرسی، الزام به انتشار خلاصه آرای قضایی در سامانه‌های الکترونیک، استفاده از فناوری برای ثبت الکترونیک شکایات و پیگیری وضعیت پرونده‌ها.

۴. تخصیصی شدن دادگاه‌ها، ایجاد دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی، خانواده، و محیط‌زیست با ترکیبی از قضات فقیه و کارشناسان حقوقی. به عنوان مثال در دادگاه‌های خانواده، مشاوران روانشناسی به عنوان عضو مشورتی حضور یافتند.

ب. مبارزه با فساد اقتصادی از طریق سازوکارهای فقهی-حقوقی

آیت الله هاشمی شاهرودی، فساد اقتصادی را «نقض امانت الهی» و «خیانت به بیت المال» دانسته و با طراحی سازوکارهای ترکیبی فقهی-حقوقی، مبارزه‌ای بی‌امان را آغاز کرد. تشکیل ستادهای مبارزه با مفاسد اجتماعی یک ضرورت برای سیستم قضایی در یک کشور می‌باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵ پ، جلد ۳: ۱۰-۸) از دیدگاه آیت الله شاهرودی اجرای عدالت مبارزه با مفاسد به خصوص فسادهای اقتصادی، رفع تبعیض احیای حقوق عامه و حمایت از حقوق شهروندی از مقاصد بسیار بلند و اصلی نظام جمهوری اسلامی است که هم در فقه و هم در قانون اساسی به آنها تصریح شده است. ایشان در کتاب «مقابله با مفاسد اقتصادی اشاره میکنند که موضوع مبارزه با مفاسد اقتصادی به عنوان یکی از وظایف قوه قضاییه در راستای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است. قطعاً یکی از مهم ترین مسائل، بحث مبارزه با مفاسد است. فساد امری ناحق است و اصل بر مبارزه با فساد می‌باشد و وظیفه دستگاه قضایی نیز همین امر است که هم واجب نفسی بوده و هم واجب مقدمی و تأخیری، یعنی قوه قضاییه فی حد ذاته باید با فساد مبارزه کند و هم در جهت رسیدن به اهداف عالیه اقتصادی اقدام به مبارزه با فساد اقتصادی نماید. آنچه در این زمینه مهم می‌باشد آن است که باید مشخص شود چه چیزی فساد است و چه چیز فساد نیست. دوم آن که راه و روش مبارزه با این فساد مشخص شود. گاهی اوقات مبارزه با فساد به گونه‌ای صورت می‌گیرد که ضرر آن بیش از خود فساد است. نباید روشی را در این زمینه به کار بگیریم که مصالح بالاتر از بین برود و باید این امر را مدنظر قرار دهیم که در مسیر مبارزه چه هزینه‌ای پرداخت می‌کنیم» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸ ت: ۳۳)

محورهای کلان اصلاحات

۱. تأسیس نهادهای تخصصی، ایجاد دادگاه‌های ویژه مبارزه با فساد اقتصادی با اختیارات گسترده برای رسیدگی به پرونده‌های کلان.

۲. شفاف‌سازی مالی مسئولان، الزام به ارائه اظهارنامه دارایی برای تمام کارگزاران دولتی. استفاده از قاعده فقهی «النصيحة لأئمة المسلمين» (خیرخواهی برای حاکمان) برای نظارت مردمی.

۳. استرداد اموال عمومی، به کارگیری قاعده «رد المظالم» (بازگرداندن حقوق مردم) برای مصادره اموال نامشروع.

۴. مجازات‌های بازدارنده، اجرای احکام سنگین مانند حبس‌های طولانی، جزای نقدی، و مصادره اموال مبتنی بر فقه اسلامی.

دستاوردهای عملی

- کشف و رسیدگی به ۵۰۰ پرونده فساد کلان اقتصادی در طول دهه ۱۳۸۰.

- بازگرداندن ۴۵۰۰۰ میلیارد تومان اموال عمومی تا سال ۱۳۹۰.

- بهبود رتبه ایران در شاخص ادراک فساد CPI از رتبه ۱۴۶ در ۲۰۰۳ به ۱۳۰ در ۲۰۱۰.

این اصلاحات دو پیامد عمده داشت:

۱. تقویت مشروعیت نظام قضایی، با کاهش فساد و افزایش شفافیت، اعتماد عمومی به قوه قضاییه ۵۵٪ افزایش یافت (بر اساس نظرسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس در ۱۳۹۲).

۲. الگوسازی برای جهان اسلام، تجربه ایران در تلفیق فقه و مدیریت نوین، مورد توجه کشورهای مانند عراق و لبنان قرار گرفت.

چالش‌ها و دستاوردها: تعامل سنت و مدرنیته در مدیریت قضایی و تأثیرگذاری رویکردهای آیت‌الله هاشمی شاهرودی بر تحولات قضایی ایران

تعامل میان سنت فقهی و مدرنیته حقوقی در نظام قضایی ایران، با چالش‌های ساختاری و فرهنگی متعددی روبه‌روست که برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف. تناقض ظاهری قوانین سنتی با نیازهای مدرن

به عنوان مثال در فقه سنتی، مجازات‌های حدی (مانند قصاص) به عنوان احکام ثابت شناخته می‌شوند، اما در جوامع مدرن، این مجازات‌ها ممکن است با استانداردهای حقوق بشر در تعارض باشند. راهکار استفاده از قاعده «مصلحت نظام» و «احکام ثانویه» برای تعدیل مجازات‌ها در شرایط خاص، بدون نقض اصول شرعی.

ب. مقاومت نهادهای سنتی در برابر تغییر

به عنوان مثال مخالفت برخی مراجع سنتی با دیجیتالی شدن فرآیندهای قضایی، به دلیل ترس از کاهش نقش قضات یا نقض حریم شرعی. راهکار آموزش و فرهنگ‌سازی درباره همسویی فناوری با اهداف فقهی،

ج. تعارض تفسیری در منابع فقهی

به عنوان مثال، اختلاف نظر فقها درباره مشروعیت داورۃ الکترونیک یا استفاده از شواهد دیجیتال. راهکار، توسل به اجتهاد پویا و استناد به قاعده «الامارات تعتبر شرعاً» (قرائن شرعی معتبرند) برای پذیرش شواهد مدرن.

علیرغم چالش‌ها، این تعامل به دستاوردهای چشمگیری در نظام قضایی ایران منجر شده است،

الف. نهادهایسازی عدالت ترمیمی

قاعده «الصلح سید الاحکام» (سازش برترین احکام است) و تأکید بر جبران خسارت به جای مجازات صرف. اقدامات عملی صورت گرفته، ایجاد شوراهای حل اختلاف محلی با مشارکت عالمان دینی و ریش سفیدان.

ب. کارآمدی نظام دادرسی با فناوری

طبق قاعده «تسهیل امور مردم» و «رفع حرج» (کاهش مشقت).

اقدامات عملی صورت گرفته، راه اندازی سامانه «ثنا» (ثبت الکترونیک شکایات) که زمان ثبت پرونده ها را ۴۰٪ کاهش داد.

ج. تقویت نظارت عمومی بر اساس فقه اجتماعی

قاعده «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان مکانیزمی برای مشارکت مردمی.

اقدامات عملی صورت گرفته، ایجاد سامانه ۱۹۷ برای گزارش فساد قضایی، با الهام از آیه وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى در نیکی و پرهیزکاری همکاری کنید. (مائده، ایه ۲)

تعامل سنت و مدرنیته در مدیریت قضایی ایران، اگرچه با چالش هایی مانند تعارضات تفسیری و مقاومت ساختاری روبه روست، اما با تکیه بر اجتهاد پویا و مصلحت نظام، به دستاوردهای بی بدیلی مانند کاهش فساد، شفافیت فرآیندها، و عدالت ترمیمی منجر شده است. رویکرد آیت الله هاشمی شاهرودی نشان داد که فقه شیعه نه تنها با مدرنیته در تضاد نیست، بلکه میتواند با انعطاف پذیری مدیریتی، الگویی برای تحقق عدالت در عصر حاضر باشد. این تجربه، چراغ راهی برای کشورهای اسلامی است که در پی ترکیب هویت دینی با کارآمدی مدرن هستند. پیشنهادات کاربردی

۱. تدوین سند راهبردی مدیریت قضایی مبتنی بر فقه حکومتی، تشکیل کمیته های تخصصی متشکل از فقها، حقوقدانان، و مدیران قضایی برای طراحی چارچوبی یکپارچه که اصول فقهی را با استانداردهای جهانی عدالت همسو سازد.

۲. توسعه پژوهش های میان رشته ای فقه و مدیریت، راه اندازی رشته های دانشگاهی مانند «فقه قضایی تطبیقی» یا «مدیریت نوین قضایی با رویکرد اسلامی» برای تربیت نسل جدید قضات و مدیران.

۳. تقویت نهادهای نظارتی مردمی، ایجاد «شوراهای نظارت بر عدالت» با مشارکت شهروندان، مطابق قاعده «النصیحه لأئمة المسلمین»، تا عملکرد قضات به صورت مستمر ارزیابی شود.

۴. به کارگیری فناوری های نوین با پشتوانه فقهی، توسعه سامانه های هوش مصنوعی برای تحلیل آرای قضایی، با رعایت اصل «حفظ حریم خصوصی» و «منع تجسس».

۵. گسترش دیپلماسی قضایی در جهان اسلام، تأسیس «اتحادیه قضایی کشورهای اسلامی» برای هماهنگی در مبارزه با جرایم فرامرزی و تبادل تجربیات اصلاحی.

نتیجه گیری

بررسی های این پژوهش نشان می دهد که فقه شیعه با تکیه بر اصولی چون اجتهاد پویا، مصلحت نظام، و حقوق الناس، از ظرفیت بی مانندی برای پاسخگویی به نیازهای مدیریتی نظام قضایی در عصر حاضر برخوردار است. این ظرفیت ها نه تنها در سطح نظری، بلکه در عمل نیز در دوران ریاست آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی بر قوه قضائیه ایران به منصفه ظهور رسید. ایشان با تلفیق مبانی فقهی با مدیریت نوین، الگویی از «حکمرانی قضایی فقه محور» را طراحی کرد که در آن، عدالت نه فقط به مثابه یک آرمان دینی، بلکه به عنوان دستورالعملی اجرایی برای اصلاح ساختارها و فرآیندهای قضایی تعریف میشود.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۹۲

الصدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷۴

سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور: ۴۶۵/۱.

عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۰۳.

الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴، ح ۵۷۱۸.

حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول: ۳۵۶.

مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، ص ۷۰.

قربی، سید محمد جواد، ۱۴۰۰، شاخص های قوه قضائیه برای صیانت از حقوق شهروندی در حکومت اسلامی از منظر اندیشه سیاسی - حقوقی آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، فصلنامه پژوهش نامه حقوق بشری، دوره: ۷، شماره: ۳.

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۸ الف)، مشکلات و چالش های دستگاه قضایی و برخی راه کارهای بهبود عملکرد آن، قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیه السلام.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۰ الف)، توسعه قضایی و اقتدار ملی در سخنان حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی ریاست قوه قضائیه، تهران: معاونت امور اجتماعی و پیش گیری از وقوع جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۱)، راهبردها و برنامه های قوه قضائیه در نگاه آیت الله هاشمی شاهرودی، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی و اطلاع رسانی قوه قضائیه.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۸ چ)، توسعه قضایی، قم: بنیاد فقه و معارف اهل البيت عليهم السلام.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۵ الف)، جهان‌بینی اسلامی و نقش عملی آن در حرکت انسان و تاریخ، قم: مؤسسه دایره‌المعارف
فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۳ پ)، نهضت خدمت‌رسانی قضایی: گزیده سخنان آیت‌الله هاشمی شاهرودی، تهران: معاونت امور
اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۸ د)، وکالت: بیانات حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی پیرامون وکالت، قم: بنیاد فقه و معارف
اهل‌البیت علیهم‌السلام.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۸ پ)، چالش‌ها و مسائل فراوری نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: بنیاد فقه و معارف اهل‌البیت
علیهم‌السلام.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۸ ت)، مقابله با مفاسد اقتصادی، قم: بنیاد فقه و معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۸ ب)، نظام قضای اسلامی: بیانات مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی شاهرودی
پیرامون نظام قضای اسلامی، قم: بنیاد فقه و معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۵ پ)، صحیفه عدالت: مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی، ج ۳، تهران: مرکز
مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۸ ت)، مقابله با مفاسد اقتصادی، قم: بنیاد فقه و معارف اهل‌البیت علیهم‌السلام.

